

ادامه از صفحه اول

ازخراج تامالیات

مشروط بر آنکه از مودیان واقعی گرفته و برای طبقات کم درآمد هزینه شود. اشاره به این امر بسیار مهم و اساسی در اینجا ضروری است و آن اینکه: پرداخت‌کننده مالیات به‌دلیل مشارکت مشخص و مستمر، به چگونگی مصرف‌شدن این درآمد و برنامه‌های مربوط به‌طور مستمر کار دارد و آن را در هر حالتی از حقوق اولیه خود می‌داند. این احساس که نوعی نظارت بر عملکرد حکومت است و پاسخ‌گویی را به‌همراه می‌آورد تدریجا خطاها را افشا و به‌حداقل می‌رساند که به‌دلیل اهمیت موضوع مطلب جداگانه‌ای می‌طلبد که این سخن بگذارت ا وقت دیگر... . در اغلب کشورها به موازات تدبین و اجرای قوانین و مقررات شفاف، فرهنگ‌سازی گسترده و پیگیری انجام گرفته است تا شهروندان مالیات را به‌عنوان امری لازم برای اداره کشور بپذیرند و فرار از آن را جرم بدانند.

البته فراهم‌کردن زیرساخت‌های سیستم مالیاتی کاری یک‌شبه نیست و نیازمند یک فرایند سنجیده، برنامه‌ریزی‌شده و درازمدت است.

گام نخست این فرایند شناسایی طیف وسیعی از اشخاص حقیقی و حقوقی است که مالیات به آنها تعلق می‌گیرد.

گام دوم: گردآوری اطلاعات دقیق و روزآمد از منابع درآمدی آنهاست.

گام سوم: طراحی ابزارهای قانونی لازم برای دریافت مالیات و برخورد با متخلفان فرار از مالیات است. در کشور ما، چه پیش از انقلاب و چه پس از آن، هیچ‌یک از این سه گام به‌صورتی محکم و استوار پرداخته نشده است.

روشن‌ترین دلیل آن همین بس که دولت پیشین به همه مردم بارانه پرداخت، زیرا به‌درستی از منابع درآمدی مردم اطلاع نداشت، پرکردن آن فرم‌های کدایی هم سرویشی بود بر این بی‌اطلاعی. در ماه‌های اخیر در رسانه ملی اعلام می‌شود که بارانه خانوارهایی که بیش از دومیلیون و ۵۰۰هزارتومان درآمد دارند قطع خواهد شد.

از این خبر چند نکته استنباط می‌شود:

نکته اول اینکه حداقل‌هزینه زندگی یا همان خط فقر در سال جاری دومیلیون و ۵۰۰هزارتومان است. با این استنباط ساده، دستمزد و حقوق کارگران و کارمندانی که زیر این مبلغ حقوق می‌گیرند و قطعا اکثریت قریب‌بالتفاق جامعه کارگری و کارمندی را تشکیل می‌دهد، زنر سوال می‌رود.

نکته دوم آنکه موفق‌ترین منبع اطلاع دولت از درآمد مردم حقوق‌های دولتی است و صاحبان درآمدهای پنهان از چشم دولت همچنان می‌توانند یارانه بگیرند.

نکته سوم، ترکیب درآمدهای مالیاتی دولت است.

آمارها نشان می‌دهند بخش قابل‌توجهی از درآمدهای مالیاتی دولت از مزدبگیران و حقوق‌بگیران دولتی است.

این درآمد صوری و به قول معروف از این جیب به آن جیب است.

بخش عمده مالیات باید از صاحبان درآمد غیردولتی گرفته شود که متأسفانه چنین نیست. نکته آخر تناقض در مالیات و یارانه است؛ به این معنا که اگر دارندگان درآمد کمتر از ۵/۵میلیون‌تومان فقیر محسوب شده و مستحق دریافت یارانه هستند، آیا کارگران و کارمندانی که بیش از یک‌میلیون و ۲۵۰هزارتومان حقوق می‌گیرند مستحق پرداخت مالیات هستند؟! توضیح مکرر اینکه حقوق‌بگیران براساس قوانین، چنانچه بیش از یک‌میلیون و ۲۵۰هزارتومان در ماه حقوق دریافت کنند، مالیات متعلقه از آن کسر می‌شود!

در این صورت، آیا می‌توان گفت: درآمد مالیاتی دولت از جیب فقرا تأمین می‌شود؟ اصلا چه معنی دارد که طبقاتی از جامعه که بین یک‌میلیون و ۲۵۰هزارتومان و دومیلیون و ۵۰۰هزارتومان درآمد دارند از یک دست مالیات بدهند و از یک دست یارانه بگیرند. خوشبختانه با دسترسی به فن‌آوری پیشرفته ارتباطات و اطلاعات، فراهم‌کردن بانک‌های اطلاعاتی از درآمد فعالیت‌های مردم، چه دولتی و چه خصوصی، کار چندان دشواری نیست مشروط بر آن‌که عزم و اراده آن در دولتان وجود داشته باشد. درواقع اصل و ریشه مسئله بی‌سروسامانی سیستم مالیاتی، نه در تعلل و کم‌کاری، بلکه در نبود عزم و اراده لازم برای آن است. کوشش برای سروسامان‌دادن به سیستم مالیاتی در یک فضای حقوقی و مالی غیرشفاف و مبهم راه به جایی نخواهد برد. امروز دولت برای حل این مشکل نیاز به هر طرح صورت‌مسئله در بالاترین سطوح قانونی و حقوقی و نهاده‌ن‌کردن تدریجی آن در متن و بطن جامعه از طریق فرهنگ‌سازی در رسانه‌های عمومی دارد. صاف و پوست‌کنده بگویم، این کار خطیر با مماشات، تجاها، نادانکاری، غرض‌عین، پاک‌کردن صورت‌مسئله، به‌ویژه با تبعیضات و استثنائات قانونی و غیرقانونی و تحمیل مالیات بر طبقات کم‌درآمد و چشم‌پوشتن بر مودیان واقعی حل‌وفصل‌شدنی نیست. اگر شدنی است، این گوی

و این میدان. این دولت و میهن ما و این بودجه غیرنفتی... . مردم، کارشناسان و همه چهره‌های قابل‌اعتماد مردم مه باید به سهم خود با توجه به ضرورت حفظ منافع ملی، در توفیق در این برنامه مهم و بنیادی در تمامی امکانات، همراه باشند.

سیاست

به بهانه طرح اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری

اصلاح قانونی که هنوز اجرا نشده است



هزینه‌ای نداشت‌ه است؟ چند «نفر»، آن هم از نفرات متخصص و دانشمند برای تنظیم و تصویب این قانون هزینه شده است؟ خلاصه اینکه، از هر طرف به این طرح اصلاحی نگاه می‌کنیم، پرسش‌های بی‌پاسخی به ذهن متبادر می‌شود که باعث سرگردانی است. به این قانون (منظور قانون اصلی است) باید این‌گونه نگریمست که مجلس به‌عنوان یک نهاد در رأس امور و عصاره ملت است.

پس از شنیدن همه اعتراضات و ایرادات، اجرای آن را لازم و میسر دانسته و اجرای آزمایشی‌اش را تصویب کرده است. مقاومت در برابر اجرا نه از مجری قابل‌پذیرش است و نه از تقدیم‌کنندگان طرح که نمی‌دانیم بعضا همه عضو کمیسیون قضایی حقوقی مجلس هستند یا خیر. چه اگر باشند مشکل و ایراد ضاعف خواهد بود. نام این بزرگواران به این شرح است: ابوالفضل ابوترابی، جلیل سرقلعه، پاپی‌زاده‌بالنگان، فلاخی باباجان، اسداللهی، قربانی، خصوصی‌ثانی، افتخاری، صادقی، عارفی، حقیقت‌پور، جعفرزاده، ایمن‌آبادی، کاشانی، دهقانی‌نقدندر، منادی‌سفیدان، فرهنگی، نگهبان سلامی.

۲- طراحان محترم در ۱۸اماده، اصلاحاتی را پیشنهاد کرده‌اند. مقدمه توجیهی طرح تا حدی مجمل و مبهم است و از مقدمه نمی‌توان فهمید که «... مشکلات و موانع جدی در زمینه اجرای قانون...» که «... مسئولان قضایی به‌ویژه روسای کل دادگستری استان‌ها...» آن را اعلام کرده‌اند چیست؟ که در صورت عدم‌اصلاح مواد قانون «... اجرای قانون مذکور با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد شد...».

با مراجعه به متن مواد اصلاحی، ملاحظه می‌شود در برخی موارد نگرانی‌ها مربوط است به کمبود نیرو و لزوم تاسیس شعب جدید دادگاه‌ها و استخدام قضات و کارمندان دفتری بیشتر.

در یک‌مورد یعنی در مورد ماده ۱۰۲ قانون که اطلاق ماده مانع از تعقیب و تحقیق جرایم منافی

عفت سازمان‌یافته با بعنف می‌شود، می‌توان گفت

که نگرانی به‌جاست.

۳- اما قسمت‌های دیگری از اصلاحات پیشنهادی نه مربوط به کمبود نیروهاست و نه موجب جرم‌زایی یا افزایش جرم خواهد شد بلکه صرفا برخی از موارد مربوطه به حقوق مردم را محدود و متنفی خواهد کرد. ضوابطی که وجود آنها در قانون این دادرسی کیفری موجب فخر و مباهات است و حذف و تغییر آنها هیچ توجیه مثبت یا دفاعی نمی‌تواند داشته باشد. این موارد را بررسی می‌کنیم:

الف: ماده ۶۶ قانون می‌گوید:

سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط‌زیست، منابع طبیعی، میراث‌فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آرای مراجع قضایی اعتراض نمایند.

تبصره۱- درصورتی‌که جرم واقع‌شده دارای بزه‌یده خاص باشد، کسب رضایت وی جهت اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه‌یده طفل، مجنون یا در جرایم مالی سفیه باشد، رضایت ولی یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی یا سرپرست قانونی، خود مرتکب جرم شده باشد، سازمان‌های مذکور با اخذ رضایت تیم اتقاقی با تایید دادستان، اقدامات لازم را انجام می‌دهند.

تبصره ۲- ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلفند بزه‌یدگان جرایم موضوع این ماده را از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد مربوطه، آگاه کنند.

تبصره ۳- اسامی سازمان‌های مردم‌نهاد که می‌توانند در اجرای این ماده اقدام کنند، در سه‌ماهه ابتدای هرسال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه می‌شود و به‌تصویب رئیس قوه‌قضائیه می‌رسد.

ملاحظه می‌شود ماده قانونی کلا مبتنی‌بر ملامت‌سالاری و قبول دخالت مردم در امور مهم مربوط به خودشان از طریق ان‌جی‌اوهاست. هرچند

قضایی تشکیل و نیروی متخصص در اختیار دادسرا گذاشته شود.

ماده ۱۰۲ قانون، به شرح زیر است:

انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرم زنا و لواط و سایر جرایم منافی عفت، ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در عرض و منظر عام واقع شود یا دارای شاکی باشد که دراین‌صورت، تعقیب و تحقیق، فقط در محدوده شکایت و با اوضاع‌واحوال مشهود توسط قاضی دادگاه انجام می‌شود.

تبصره ۱- در جرم زنا و لواط و سایر جرایم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدوا قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می‌کند.

تبصره ۲- قاضی مکلف است عواقب شهادت فاقد شرایط قانونی را به شاهان تذکر دهد.

تبصره ۳- در جرایم مذکور در این ماده، اگر بزه‌دید، مجبور باشد، ولی یا سرپرست قانونی او حق طرح شکایت دارد، در مورد بزه‌دیده بالغی که سن او زیر۱۸سال است، ولی یا سرپرست قانونی او نیز حق طرح شکایت دارد.

طراحان محترم در ماده ۵ اصلاحی، تبصره‌ها را عینا حفظ و صدر ماده را به این شکل اصلاح کرده‌اند: «تحقیقات در جرایم منافی عفت ممنوع است مگر در مواردی که جرم مشهود یا دارای شاکی خصوصی یا بعنف یا سازمان‌یافته باشد». ملاحظه می‌شود ماده اصلاحی، جز در مورد «جرایم منافی عفت سازمان‌یافته» چیزی بیشتر از ماده اصلی را دربر ندارد اما درعین‌حال، جمله «منع تجسس» ماده اصلی را کمرنگ کرده است. توضیح اینکه:

اول- «جرمی که در مریی و منظر عام واقع شود»، عبارت افرادی «جرم مشهود» است با این تفاوت که در مورد اعمال منافی عفت، با توجه به طبع این جرایم و وجوب «احتراز از تجسس و تشییع فاحشه» امکان توسل ناروا به شقوق هفتگانه ماده۴۵ را تا حدی محدود می‌کند.

ثانیا- وقتی جرم دارای شاکی است- خواه جرم توأم با عنف باشد یا نباشد- به‌هرحال - با اعلام شکایت دادسرا، درگیر رسیدگی می‌شود.

ثالثا- ظاهرا طراحان محترم عفت را هم فرض کرده‌اند که ممکن است منافی عفت به‌عنف ولی فاقد شاکی باشد. این مورد در جامعه ما متأسفانه کم نیست. اما درعین‌حال با توجه به ساختار فرهنگی و فکری جامعه، اینکه باوجود عدم‌تأمیل مجنی‌علیه یا مجنی‌علیها به اعلام شکایت با تحقق و تعقیب

یا پرسش از افراد، پرونده تشکیل بدیم، جای تامل خواهد داشت.

رابعا- فراموش نشود که به موجب تبصره ۳ آمده اگر بزه‌دیده مجبور یا بالغ زیر ۱۸سال باشد، ولی و سرپرست او حق شکایت خواهد داشت.

ادامه در صفحه ۱۶

نگاه

بی‌تدبیری دراستخدام زنان



آمنه شیرافکن

● اطلاعات جدید مرکز آمار ایران مشخص می‌کند که نرخ مشارکت اقتصادی زنان در سال ۲۰۱۳ به نسبت سال ۲۰۰۹ از ۱۶درصد به کمی بیشتر از ۱۲درصد رسیده و روندی رو به کاهش داشته است.

روند تصمیم‌سازی‌ها، درست چندروز مانده به نوروز۹۴ به سهمیه‌بندی عجیب‌وغریب در استخدام نیروی انسانی در سازمان‌های دولتی منجر شد؛ سهمیه‌بندی جنسیتی‌ای که سهم ویژه‌ای برای مردان و سهم مختصری برای زنان در نظر گرفته است. زنانی که اغلب در بزنگاه انتخاباتی دعوت به مشارکت می‌شوند و با روی‌کارآمدن قدرت‌ها، به‌سادگی از یاد می‌روند، چراکه زنان نه به برخی لابی‌ها دست یافته‌اند و نه از قدرت چانه‌زنی بهره‌منداند. جالب آنکه زنان مجلس نیز که بناست خواسته‌های زنان ایرانی را نمایندگی کنند این‌روزها خودشان را محدود به موضوع زنان سرپرست خانوار کرده‌اند و دریغ از تذکری کوتاه در صحن علنی مجلس درباره تبعیض مصرح در آزمون استخدامی اخیر دولت.

فراموش نکنیم که دولت تدبیر و امید نیز در بزنگاه پیشا- انتخاباتی وعده‌های فراوانی به زنان داد: از وعده تلاش برای حضور زنان در مدیریت‌های میانی گرفته تا قبول ایجاد فرصت برابر اشتغال و صدها نکته طلایی دیگر. اما متأسفانه در یکی از نخستین گام‌های استخدامی دولت شاهد آمار و ارقام ناامیدکننده‌ای هستیم. اگرچه این‌روزها موقعیت ۶۰درصدی حضور زنان ایرانی در دانشگاه‌ها به نمایشی جهانی بدل شده اما گویا کمتر مسئولی در داخل کشور به فکر ایجاد فرصت شغلی برای زنان فارغ‌التحصیل جویای کار است. گویا تلاش زنان برای ورود به دانشگاه‌ها در چنددهه پیش حالا به حساب تلاش دولت‌ها گذاشته شده و نمایشی از حضور و مشارکت اجتماعی زنان. جالب آنکه وقتی فرصت به پاسخگویی به مطالبه همین زنان می‌رسد نه دولت چندان همت وافر و از خود نشان می‌دهد و نه دیگر سازمان‌ها و نهادهای تصمیم‌ساز.

دولت در شرایطی در فرم‌های استخدامی اخیر دوهزارو ۲۰۰سهمیه برای مردان و ۱۶سهمیه برای زنان و ۵۰۰ سهمیه مشترک در نظرگرفته که جمعیت پنج‌میلیونی جویای کار زنان در جامعه مطالبه‌ای بیش از آنها دارد.

ادامه در صفحه ۱۶

نوبت اول



شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت مناطق مرکزی ایران
شرکت بهره برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی (سهامی خاص)

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای شماره: ۹۴۰۰۱

موضوع مناقصه: نوار پوشش لوله و پرایمر

تقاضاهای خرید شماره: 9300158,SAS-9340202,SAS-9340222-SND

شرکت بهره برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی مستقر در شیراز در نظر دارد مطابق شرایط و مشخصات ذیل، نوارهای پوشش لوله و پرایمر مورد نیاز جهت استفاده در مناطق عملیاتی نار و کنگان و آغاز و دالان را از شرکتهای تولیدکننده واجد شرایط تأمین نماید. از متقاضیان شرکت در مناقصه دعوت می شود با مراجعه به سایت **WWW.SZOGPC.COM پس از مطالعه دقیق مشخصات فنی کالای مورد نیاز (بهمراه همین آگهی در دو فایل EXCEL، از صورت تیکه تولید کالا را داشته باشند، نسبت به تکمیل فرم ارزیابی کیفی مناقصه گران مربوط به اداره تدارکات کالا واقع در سمت چپ صفحه اول سایت فوق اقدام نموده و به همراه مدارک مثبته خواسته شده، ضمانتنامه شرکت در مناقصه و پیشنهادات فنی و مالی به این امور ارسال نمایند.**

1- شرح مشخصات فنی کالا: (شرح کامل مشخصات فنی کالا بهمراه همین آگهی در سایت فوق الذکر موجود می باشد) 1-1)نوار سه لایه پوشش لوله درونی 4 اینچ 100 پا – به مقدار 2350 رول 1-2)نوار پوشش لوله بیرونی 4 اینچ 100 پا – به مقدار 2450 رول 1-3)نوار سه لایه پوشش لوله درونی 6 اینچ 100 پا – به مقدا 3150 رول 1-4)نوار پوشش لوله بیرونی 6 اینچ 100 پا – به مقدا 3250 رول 1-5) پرایمر – به مقدار 2490 لیتر
2- نوع و مبلغ تضمین: ارایه ضمانت نامه معتبر بانکی شش ماهه یا رسید واریز وجه نقد(شماره حساب با هماهنگی این امور جهت واریز وجه مشخص می گردد) به مبلغ 520/000/000 ریال به نام شرکت بهره برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی الزامیست.
3- مهلت تحویل: آخرین مهلت تحویل فرمهای تکمیل شده ارزیابی کیفی بهمراه ضمانتنامه شرکت در مناقصه و پیشنهادات فنی و مالی تا پایان وقت اداری روز 94/02/05 می باشد.
4- تاریخ گشایش: 1-4) درتاریخ 94/02/06 اسناد ارزیابی کیفی مناقصه گران و ضمانتنامه های شرکت در مناقصه آنها جهت گشایش و بررسی به کمیسیون مناقصات ارسال خواهد شد تا پس از اعلام نتیجه توسط کمیسیون مناقصات، پیشنهادات فنی شرکتها نیز جهت بررسی به کمیته فنی بازگانی ارسال گردد. 2-4) تاریخ گشایش پیشنهادات مالی پس از بررسی اسناد ارزیابی کیفی مناقصه گران و پیشنهادات فنی توسط کمیته فنی بازگانی اعلام خواهد شد:
5- در صورت برنده شدن ارائه ضمانت نامه حسن انجام کار به میزان 10 درصد مبلغ معامله الزامیست.
6- ضریب تأثیر پیشنهادات فنی پس از بررسی و امتیازدهی توسط کمیته فنی بازگانی مشخص خواهد شد.
7- برنده مناقصه می تواند با ارائه ضمانتنامه باتکی معتبر حداکثر به میزان 25 % کل مبلغ معامله پیش پرداخت دریافت نماید. توجه: هر گونه تغییر در شرایط و زمان مناقصه به اطلاع کلیه شرکت کنندگان در مناقصه خواهد رسید.
در صورت ضرورت با شماره تلفن: 071-32138436 تماس بگیرید و مکاتبات خود را به شماره: 07132314447 ارسال نمایید.

روابط عمومیه شرکت بهره برداری نفت و گاز زاگرس جنوبیه